

انرژی هسته‌ای در آفریقا و نقش قدرتها و سازمان‌های بین‌المللی

مهدی قویدل*

چکیده

در سیاست بین‌الملل، عموماً و به ویژه بحث خلع سلاح هسته‌ای، منافع قدرت‌های بزرگ یا قدرت‌های هسته‌ای، عمده‌ترین مشکل را در برابر اجرای معاهده عدم تکثیر هسته‌ای (ان.بی.تی) ایجاد کرده است. دسترسی کشورهای مختلف به سوخت هسته‌ای برای نیروگاه‌های خود با هدف فعالیت‌های هسته‌ای مسالمت‌آمیز، از حقوق مصرح در ان.بی.تی است که قدرت‌های بزرگ با نگاه سیاسی و امنیتی و نه حقوقی، مانع از اجرای این هدف شده‌اند.

منطقه بزرگ آفریقا نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. هر گونه فعالیت‌های هسته‌ای از سوی محدود کشورهای آفریقایی خواه مسالمت‌آمیز و یا غیرمسالمت‌آمیز با انحصار طلبی قدرت‌های بزرگ مواجه شده که دیدبان‌های هسته‌ای را نیز تحت کنترل خود گرفته‌اند. مصر، لیبی و آفریقای جنوبی در سطوح مختلف دارای فعالیت‌های هسته‌ای بوده و هستند و نوع تعامل قدرت‌های هسته‌ای و دیدبان‌های هسته‌ای با این کشورها، از موضوعات مهم سیاست و به ویژه خلع سلاح هسته‌ای است.

* کارشناس مسائل خاورمیانه عربی و شمال آفریقا

مقدمه

یکی از تحولات مهمی که از اوایل دهه هفتاد و در اولین شوک نفتی بر معاهده عدم تکثیر هسته‌ای تأثیر گذاشت، تمایل و تقاضای روزافزون به انرژی هسته‌ای بوده است. انرژی هسته‌ای جایگزینی برای فناوری‌های مبتنی بر دی‌اکسیدکربن است که به آب و هوا آسیب می‌رساند. در نیمه اول قرن بیست و یکم، با توجه به افزایش تقاضای جهان برای انرژی بیشتر که اغلب در اثر نیاز رو به رشد کشورهای در حال توسعه همچون چین و هند ناشی می‌شود، انرژی هسته‌ای نقش مهمی پیدا می‌کند. براساس تخمین‌ها تا سال ۲۷،۲۰۳۰ درصد از برق جهان در نیروگاه‌های هسته‌ای تولید می‌شود و اکنون این رقم، ۱۷ درصد است.^(۱) در سه دهه گذشته نیز در تولید نیروی هسته‌ای و دسترسی به مواد و فناوری هسته‌ای، افزایش چشمگیری ایجاد شده است. در حال حاضر چالش اصلی، چگونگی هماهنگ کردن اهداف عدم تکثیر مطرح در معاهده عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای با نیازهای امروز، می‌باشد؛ به گونه‌ای که عدم پایبندی به این تعهدات بدون اختلال در استفاده صلح‌آمیز از سلاح هسته‌ای قابل تشخیص باشد.

سابقه فعالیت کشورهای آفریقایی در زمینه دستیابی به انرژی هسته‌ای متفاوت است. این تلاش نتایج متفاوتی هم داشته است. نام کشورهایی که در قاره آفریقا برای رسیدن به انرژی هسته‌ای برای مقاصد نظامی یا غیرنظامی تلاش کرده‌اند، در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و در سازمان‌های مربوط به خلع سلاح ذکر شده است. در قاره آفریقا کشورهای مصر، لیبی و آفریقای جنوبی کشورهایی هستند که به دنبال انرژی هسته‌ای بوده‌اند یا از این تلاش منصرف شده‌اند یا شاهد بازگشت مخفیانه هسته‌ای هستند. علاوه بر آن، الجزایر دارای دو راکتور هسته‌ای است. به گفته خانم طاووس فروخی، سفیر الجزایر در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، الجزایر برای داشتن منابع انرژی

جایگزین منابع سنتی، از این دو رآکتور برای تولید برق، شیرین کردن آب دریا و مبارزه با ملخ‌ها استفاده می‌کند. ^(۲) هفته‌نامه تایم چاپ آمریکا دسامبر ۲۰۰۴ نوشت: «عبدالقدیر خان، دانشمند هسته‌ای پاکستان، از برخی کشورها مانند عربستان، مصر، سودان، ساحل عاج و نیجر دیدار کرده است». ^(۳) تایم نوشت، هدف این سفرها هنوز مشخص نشده است، ولی سازمان‌های اطلاعاتی غرب معتقدند عربستان و مصر برای دستیابی به فناوری هسته‌ای تلاش می‌کنند. از طرف دیگر، بسیاری از کشورهای آفریقایی مثل نیجر و چاد دارای معادن اورانیوم هستند که می‌تواند زمینه‌ای برای آغاز یک برنامه هسته‌ای مستقیم باشد و یا اینکه این کشورها مطمع نظر کشورهای دیگر برای خرید اورانیوم قرار گیرند.

مصر از اوایل دهه پنجاه، فعالیت هسته‌ای خود را که در واقع نوعی بازدارندگی در برابر تهدید هسته‌ای اسرائیل بود، آغاز کرد و در دوره جنگ سرد، به خاطر رقابت دو ابرقدرت آمریکا و شوروی با موانع خارجی مواجه شد. بعد از پایان جنگ سرد، آمریکا با نگاه امنیتی به برنامه هسته‌ای مصر و اولویت تأمین امنیت مصر، پیوسته مراقب تحرکات این کشور بوده است. اکنون، برنامه هسته‌ای مصر به حالت تعلیق در آمده است، ولی اخیراً، برخی مقامات کشوری و لشگری و برخی اساتید دانشگاه، خواستار پیگیری برنامه هسته‌ای مصر هستند.

لیبی از اوایل دهه هفتاد، به دنبال انرژی هسته‌ای با مقاصد نظامی بود. ولی تحت فشارهای غرب به ویژه آمریکا قرار گرفت و در سال ۲۰۰۳، به طور کلی برنامه سلاحهای کشتار جمعی را کنار گذاشت. ظاهراً معمر قذافی، رهبر لیبی، برای اهداف اعلانی مقابله با بمب اتمی اسرائیل به دنبال سلاحهای هسته‌ای بود و تأسیسات مخفیانه هسته‌ای داشت. ولی تقویت پرستیژ شخصی قذافی در جهان عرب با توجه به تصور،

ادراک و ذهنیتی که وی از مسائل جهان عرب و تحولات بین‌المللی دارد، از اهداف غیراعلانی طرابلس برای اجرای برنامه رسیدن به سلاحهای کشتار جمعی بود.

آفریقای جنوبی، اولین و تنها کشور سازنده سلاح هسته‌ای است و متعاقباً به طور داوطلبانه برنامه سلاحهای هسته‌ای خود را کنار گذاشت. مقامات پرتوریا درباره اینکه تسلیحات هسته‌ای می‌تواند برای این کشور در برابر تهدیدات منطقه امنیت ایجاد کند، اختلاف داشتند. اولین آزمایش هسته‌ای ناکام آفریقای جنوبی در سال ۱۹۷۱ در صحرای کالاهاری صورت گرفت. آزمایش‌های هسته‌ای موفق آفریقای جنوبی در سال ۱۹۷۷ انجام شد. در اواخر سالهای دهه ۸۰، زیر فشارهای بین‌المللی سیاست دی‌کلرک مبنی بر نبود تهدیدات و لزوم انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز در فضای تصمیم‌گیری کشور غالب شد. این کشور در نهایت سلاحهای هسته‌ای خود را از جولای ۱۹۹۰ تا جولای ۱۹۹۱ منهدم کرد.

این مقاله با این دو فرضیه که برخورد سازمان‌های بین‌المللی به خاطر نفوذ قدرت‌های بزرگ با فعالیتهای هسته‌ای کشورها تبعیض‌آمیز است و برنامه هسته‌ای مسالمت‌آمیز طبق مفاد مصرح در ان.پی.تی، حق مسلم کشورهاست، قصد دارد به این سؤال اصلی پاسخ دهد که انرژی هسته‌ای در قاره آفریقا چه وضعیتی دارد و تعامل دیدبان‌های هسته‌ای و قدرت‌های بزرگ با تلاش برخی کشورهای آفریقایی برای رسیدن به فناوری هسته‌ای چگونه بوده است.

فرضیه مقاله این است که کشورهای هسته‌ای آفریقایی مثل مصر، لیبی و آفریقای جنوبی در برنامه‌های هسته‌ای خود با معیارهای دوگانه و آپارتاید هسته‌ای کشورهای هسته‌ای غربی مواجه شدند و تحت فشار این کشورها به ویژه آمریکا، برنامه‌های هسته‌ای خود را یا کنار گذاشته‌اند یا به حالت تعلیق در آورده‌اند. این مقاله

منحصراً به برنامه هسته‌ای مصر، لیبی و آفریقای جنوبی خواهد پرداخت که سابقه فعالیت هسته‌ای داشته و مورد توجه قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های بین‌المللی بوده‌اند.

بحث تئوریک

اگر ساختار نظام بین‌الملل را شبه هم‌مونیک فرض کنیم، آمریکا در قالب دو نوع نقش با بازیگران منطقه آفریقا به عنوان یک سیستم تابع که بخشی از نظام بین‌الملل است، ارتباط برقرار می‌کند. نقش اول، در قالب الگوهای همکاری مثل رابطه آمریکا با مصر و اخیراً لیبی تعریف می‌شود و نقش دوم، در قالب الگوهای تعارض مثل رابطه آمریکا با سودان است. قدرت هم‌مونی همواره سعی دارد با توزیع نابرابر قدرت، نوع دلخواه آرایش قدرت و مداخله‌گرایی و الگوهای همکاری با متحدان خود در سیستم تابع آفریقا را در ساخت قدرت در منطقه دستکاری کند.

در نظر آمریکایی‌ها آفریقا به دلیل وسعت، برخورداری از تنوع و گوناگونی جغرافیایی، بومی، فرهنگی و مذهبی، نیازمند تعیین و تعریف یک استراتژی امنیتی متکی بر همکاری دو جانبه با هر یک از کشورهای قاره می‌باشد. نوع تعامل آمریکا با مصر را باید در چارچوب منازعه اعراب و اسرائیل و طرح خاورمیانه بزرگ جست‌وجو کرد؛ هر چند که مصر یکی از بازیگران تأثیرگذار آفریقا نیز می‌باشد. از نظر آمریکا، نقش لیبی بیشتر از منطقه خاورمیانه در آفریقا تعریف شده است. رویکردهای اخیر نگاه به شرق معمر قذافی و کم‌رنگ شدن پان عربیسم نزد وی، شاید دلیل این مدعا باشد. بعد از حوادث یازدهم سپتامبر، آفریقای جنوبی در کنار کشورهای دیگر زیر صحرای نیجریه، کنیا و اتیوپی برای آمریکا جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است و در سیاست خارجی جورج بوش، شاهد نوعی گرایش‌های استراتژیک به سوی این کشورها هستیم.

این مقاله براساس نگرش سیستم تابع کانتوری و اشیگل، به تعامل قدرت‌های بزرگ با آفریقا می‌پردازد. نگرش سیستمی یاد شده از سه بخش قدرت مداخله‌گر، بخش مرکز و بخش پیرامون تشکیل شده است. البته مصر در سیستم تابع خاورمیانه با آمریکا رابطه برقرار می‌کند. تعامل آمریکا با لیبی و آفریقای جنوبی در قالب نگرش سیستمی آفریقا قابل تصور است. در نگرش سیستمی یاد شده، با توجه به اینکه مقاله، ساختار نظام بین‌الملل را شبه هژمونیک فرض کرده است، آمریکا به عنوان قدرت مداخله‌گر و کشورهای مصر، لیبی و آفریقای جنوبی به عنوان واحدهای مرکزی عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، کنش متقابل بین واحدها و متغیرهای الگویی در این نگرش مورد نظر است. متغیر الگویی مورد نظر این مقاله، سیستم کنترل است. به عبارت دیگر، آمریکا به عنوان قدرت مداخله‌گر با بازی سیاسی و نه حقوقی (کم‌اهمیت شدن سازمان‌های بین‌المللی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) واحدهای مرکزی (در اینجا مصر، لیبی و آفریقای جنوبی) را کنترل می‌کند. در این سیستم، هدف، مهار برخی واحدهاست. بهره‌گیری از قدرت، قواعد سیستم را تعریف می‌کند؛ یعنی آمریکا با قدرت هژمونیک خود، از سازمان‌های بین‌المللی برای بهینه‌سازی سیستم استفاده می‌کند.

روابط مصر و آمریکا از سال ۱۹۷۴ که انور سادات، رئیس‌جمهور وقت مصر، از شوروی دور و به غرب نزدیک شد، شاهد چندین مرحله بوده است. اوج روابط دو کشور در بعد از جنگ دوم خلیج فارس رقم خورد و روابط دو کشور، رابطه شبه ائتلاف^۱ توصیف شد. از نظر آمریکا، مصر، مؤثرترین کشور جهان عرب، پیشتاز صلح و پیشتاز احتمالی اصلاحات در منطقه و از کارگزاران نظم منطقه‌ای مطلوب آمریکاست. مصر نیز با توجه به ساختار متزلزل اقتصادی، معضل امنیتی ناشی از اسرائیل، ماهیت نظام سیاسی

^۱ . Quasi Alliance

متأثر از محیط روانی رهبران سیاسی و همچنین موقعیت ژئواستراتژیک خود استراتژی ائتلاف را با قدرت‌های بزرگ در پیش گرفته است. اما از آنجایی که برای نقش منطقه‌ای مصر حد و مرزی وجود دارد، مصر هسته‌ای یک خط قرمز است؛ چرا که اگر مصر به توان هسته‌ای دست یابد، موازنه قدرت در منطقه به هم می‌خورد.

لیبی تا قبل از نوزدهم دسامبر ۲۰۰۳ که طی یک تصمیم غافلگیرانه تمام برنامه‌های هسته‌ای خود را کنار گذاشت، از سوی آمریکا به عنوان یک عنصر نامطلوب در نظام بین‌الملل شناخته می‌شد. آمریکا طی یک دیپلماسی اجبار، لیبی را که هیچ ارتباط تعریف شده‌ای بین برنامه هسته‌ای آن با منافع ملی این کشور دیده نمی‌شد، برای تأمین منافع حکومتی، خود را با سیاست‌های آمریکا در منطقه وفق داد. از نظر آمریکا، لیبی هسته‌ای مخمل نظم مطلوب آمریکا در منطقه است. نگاه آمریکا به لیبی معاصر، در قالب اقتصاد انرژی قابل تعریف است.

آفریقای جنوبی موردی استثنایی است. در دوره جنگ سرد، این کشور عملاً در آنگولا با ابر قدرت شوروی درگیر بود و به خاطر برنامه‌های هسته‌ای خود، با کشورهای بلوک غرب هم رابطه تنش‌زا داشت. این کشور بعد از پایان جنگ سرد، تعریف جدیدی از منافع ملی خود ارائه داد و برنامه‌های هسته‌ای نظامی خود را کنار گذاشت. آفریقای جنوبی با توجه به اینکه بمب هسته‌ای ساخت و سپس آنها را منهدم کرد، تجربه ساخت سلاح هسته‌ای و زمینه از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای نظامی را دارد.

انرژی هسته‌ای و موارد استفاده صلح‌آمیز از آن

دانش و فناوری هسته‌ای علاوه بر آنکه می‌تواند در یک کشور، زمینه‌ای برای رسیدن به سلاح‌های اتمی باشد، می‌تواند جایگزین سوخت‌های فسیلی برای تولید انرژی

نیز محسوب شود. علاوه بر آن، می‌توان در بسیاری از بخش‌های صنایع تولیدی خدماتی از آن استفاده کرد. برخی از مهم‌ترین کاربردهای غیر نیروگاهی انرژی هسته‌ای به شرح زیر است: (۴)

الف: پزشکی

۱. از زباله‌های هسته‌ای رآکتورهای هسته‌ای، مواد رادیو اکتیوی استخراج می‌شود که در تشخیص و درمان بیماریهای مختلف به کار می‌رود.
۲. سرطان‌شناسی و درمان سرطان (تشخیص سرطان‌های کولون، پانکراس، روده کوچک و برخی سرطان‌های سینه).
۳. تشخیص سریع مراکز عفونی در بدن.
۴. تصویرگیری بیماری قلبی.
۵. تشخیص عفونت‌ها و التهاب مفصلی، آمبولی و لخته‌های وریدی.
۶. صنایع خونی، تشخیص کم‌خونی یا سندرم اختلال در جذب ویتامین B₁₂.
۷. تشخیص کم‌کاری غدد با استفاده از روش‌های پرتودهی رادیو ایزوتوپ.
۸. تولید تجهیزات آشکارسازی جدید نظیر دوربین PET، رادیو تراپی، رادیو داروهای جدید.
۹. تهیه و تولید رادیو داروی ید ۱۳۱، برای تشخیص بیماریهای تیروئید و درمان آنها.
۱۰. تهیه و تولید کیت‌های رادیو دارویی برای مراکز پزشکی هسته‌ای.
۱۱. کنترل کیفی رادیو داروهای خوراکی و تزریقی برای تشخیص و درمان بیماریها.
۱۲. تهیه و تولید کیت‌های هورمونی.
۱۳. تجهیزات ام.آر.آی و اشعه ایکس.
۱۴. ترمیم سلولها.

ب: کشاورزی

۱. در زمینه تحقیقات آب‌شناسی استفاده از چشم‌های پرتوزا و ردیابی‌ها برای ردیابی رسوبات.
۲. اندازه‌گیری ضخامت و غلظت لایه‌های رسوبی، ردیابی آنها و تعیین دقیق ذخیره سفره‌های آب زیرزمینی.
۳. اندازه‌گیری آب رودخانه‌ها و کانال‌ها.
۴. ایجاد بذرهاى جدید و مقاوم به آفات و کم‌آبی.
۵. افزایش بازدهی محصولات.
۶. کنترل آفتها و آلودگی‌های گیاهی.
۷. استفاده مؤثر و بهینه از کودهای شیمیایی و کنترل حشرات و آفات.
۸. با استفاده از پرتوهای پرانرژی مواد رادیواکتیو می‌توان صفات نامطلوب گیاهان را با جهش ژنتیکی از بین برد.
۹. باروری مجدد خاک.
۱۰. پرتودهی مواد غذایی برای جلوگیری از فاسد شدن و دوام تازگی و نگهداری از آن، (روش پرتودهی در مقایسه با تکنولوژی‌های معمول ضدعفونی نظیر روش‌های سنتی موجود از نظر اقتصادی و سرعت در انجام کار از مزیت‌های بیشتری برخوردار است).

ج: صنعت

۱. بررسی جوشکاری در لوله‌های نفت و گاز.
۲. در عملیات اکتشاف و استخراج معادن زیرزمینی، نفت و گاز از رادیو ایزوتوپ‌ها به عنوان وسیله‌ای مطمئن و آسان برای تعیین جریان‌های زیرزمینی، تعیین مشخصات

- و تشکیلات زیرزمینی برای تعیین محل دقیق حفاری‌ها، تعیین میزان خوردگی فلزات، ساینده‌گی قطعات متحرک از جمله پیستون‌های هواپیماها.
۳. ساخت سیستم‌های هسته‌ای برای اندازه‌گیری خاکستر زغال.
 ۴. جداسازی فلزات سنگین از گیاهان دریایی.
 ۵. بهبود فرایندها، اندازه‌گیری دقیق در مورد سطح سنجی، ضخامت سنجی، ردیابی، آزمایش‌های کنترل کیفی، ایجاد واکنش‌های شیمیایی مورد نظر و کاهش هزینه تولید در فرایند تولید.
 ۶. تهیه و تولید چشم‌های پرتوایی کبالت برای مصارف صنعتی.
 ۷. تولید چشم‌های ایریدیم برای کاربردهای صنعتی.
 ۸. بررسی کوره‌های مذاب، شیشه‌سازی برای تعیین اشکالات آنها.
 ۹. نشت‌یابی در لوله‌های انتقال نفت با استفاده از تکنیک‌های هسته‌ای.
 ۱۰. افزایش کیفیت قطعات اتومبیل.

خلع سلاح هسته‌ای و دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل متحد

الف: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

طرح تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۱۹۵۳ توسط آیزنهاور، رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا، به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد. به موجب این طرح، آیزنهاور پیشنهاد کرد که سازمانی بین‌المللی تشکیل شود تا به مسائل مربوط به کاربردهای صلح‌جویانه انرژی اتمی بپردازد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۴ دسامبر ۱۹۵۴، اساس طرح ایالات متحده آمریکا را تصویب کرد و در پی آن، اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۲۶

اکتبر ۱۹۵۶ توسط نمایندگان ۷۰ دولت امضا شد. به دنبال تصویب ۲۶ کشور، اساسنامه در ۲۹ جولای ۱۹۵۷ لازم‌الاجرا شد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان مؤسسه‌ای تخصصی و بازوی هسته‌ای سازمان ملل متحد پا به عرصه وجود گذاشت.

بودجه آژانس از محل حق عضویت دولت‌های متعاقد و کمک‌های داوطلبانه تأمین می‌شود. حق عضویت هر کشور براساس تعرفه سازمان ملل متحد و با توجه به درآمد سرانه مشخص می‌شود. ایالات متحده آمریکا ۲۵ درصد بودجه آژانس را تأمین کند. آژانس از سه رکن اصلی تشکیل شده است: کنفرانس عمومی، شورای حکام و دبیرخانه که در رأس آن، دبیر کل آژانس قرار دارد. کنفرانس عمومی که تمام اعضای آژانس در آن عضویت دارند، برنامه‌ها و سیاست‌های کلی آژانس را ترسیم و تصویب می‌کند. شورای حکام در هر سال معمولاً چهار بار تشکیل جلسه می‌دهد و مسئولیت کلی انجام وظایف و کارکردهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را برعهده دارد.

از ۳۵ عضو این شورا، ۲۲ عضو توسط کنفرانس عمومی با رعایت انصاف و با در نظر گرفتن مناطق جغرافیایی مختلف انتخاب می‌شوند و ۱۳ عضو دیگر، توسط شورای حکام و از میان کشورهای پیشرفته در زمینه تکنولوژی هسته‌ای و تولید مواد اتمی، برگزیده می‌شوند. تصمیمات شورای حکام معمولاً با رأی اکثریت ساده اتخاذ می‌شود. با توجه به شرایط عضویت در این رکن آژانس، ایالات متحده همواره به عنوان قدرت هسته‌ای در شورای حکام عضویت دارد.

اعضای کنونی شورای حکام عبارت است از: الجزایر، آرژانتین، استرالیا، برزیل، بلاروس، بلژیک، کانادا، چین، کلمبیا، کوبا، اکوادور، مصر، فرانسه، آلمان، غنا، یونان، هند، اندونزی، ژاپن، لیبی، نروژ، پرتغال، کره جنوبی، روسیه، سنگاپور، اسلوانی، اسلواکی، آفریقای جنوبی، سریلانکا، سوئد، سوریه، انگلستان، آمریکا، ونزوئلا، یمن.^(۵)

در رأس دبیرخانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دبیر کل قرار دارد که بنا بر توصیه شورای حکام و تصویب کنفرانس عمومی برای دوره چهار ساله انتخاب می‌شود. دبیر کل، مسئول انتصاب سازماندهی و ایفای نقش کارمندان آژانس با نظارت شورای حکام می‌باشد.

فعالیت‌های آژانس در زمینه ترویج و توسعه کاربردهای صلح‌آمیز انرژی اتمی، در چهار بخش مهم زیر می‌باشد:

۱. ایجاد استانداردهای سلامتی و ایمنی،
۲. جلوگیری از انحراف مواد هسته‌ای از کاربردهای صلح‌آمیز به اهداف و مصارف نظامی از طریق اعمال سیستم نظارت و مراقبت،
۳. کمک فنی،
۴. مساعدت در زمینه تحقیقات و توسعه هسته‌ای.

ب: معاهده ان. پی. تی (معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای)

دیپلماسی چندجانبه در زمینه مهار کردن سلاح‌های هسته‌ای از طریق سازمان ملل آغاز شد و کمیته ۱۸ نفری خلع سلاح، پیش‌نویس پیمان را در ۱۹۶۸ عنوان پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان. پی. تی) به مجمع عمومی سازمان ملل تسلیم کرد و مجمع نیز طی قطعنامه شماره ۲۳۷۳، آن را به تصویب رساند.

این پیمان از سال ۱۹۷۰ لازم‌الاجرا شد. طبق ان. پی. تی، کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای تعهد می‌کنند که از انتقال سلاح‌های هسته‌ای یا وسایل منفجره هسته‌ای به دیگران خودداری نکنند. کشور دارنده سلاح هسته‌ای نیز طبق پیمان، کشوری است که پیش از اول ژانویه ۱۹۶۷، سلاح هسته‌ای یا دیگر وسایل منفجره هسته‌ای تولید و منفجر

کرده است؛ از این رو پنج کشور چین، فرانسه، شوروی (سابق) انگلیس و آمریکا مشمول این تعریف گردیدند.

با این تعریف، کشورها عملاً و آشکارا به دو دسته دارا و ندار تقسیم شدند و وضعیت هسته‌ای پنج کشور مزبور، رسماً تأیید شد. از سوی دیگر، کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای نیز متعهد می‌شوند که هیچ‌گونه سلاح هسته‌ای یا دیگر وسایل منفجره هسته‌ای دریافت نکنند و از تلاش برای ساخت یا کسب این سلاح‌ها پرهیز کنند و در ضمن، نظام پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را برای جلوگیری از انحراف کاربرد و صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای و تولید سلاح هسته‌ای یا وسایل منفجره هسته‌ای بپذیرند.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان مسئول نظارت بر اجرای این پیمان تعیین شد و طبق این پیمان، نظام‌های نظارتی و بازرسی متعددی از جمله پروتکل (۹۳+۲) ایجاد شد.

آژانس برای نظارت بر اجرای پیمان و تعهدات اعضا، قراردادهای بازرسی متعددی با آنان به امضا می‌رساند. انواع این قراردادها به شرح زیر است:

۱. **قرارداد بازرسی:** این قرارداد پیش از الحاق هر دولت به پیمان در اختیار آژانس قرار دارد و هر عضو جدید در صورت تمایل، آن را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منعقد می‌کند. به موجب این قرارداد، آژانس فقط از تأسیساتی بازرسی می‌کند که دولت عضو، داوطلبانه خواهان بازرسی از آن می‌شود و طبیعتاً بازرسی از همه تأسیسات هسته‌ای یک دولت را شامل نمی‌شود. همچنین اگر دولت دارنده فناوری و مواد و تأسیسات هسته‌ای، شرط واگذاری و فروش این اقلام را منوط به نظارت آژانس کرده باشد، دولت خریدار ملزم است چنین قراردادی را با آژانس به امضا برسانند.

دولت‌های عضو دائم شورای امنیت (ایالات متحده آمریکا، روسیه، انگلستان، فرانسه، چین) و اسرائیل، هند، پاکستان، آفریقای جنوبی، برزیل و آرژانتین، این قرارداد بازرسی را با اژانس منعقد کرده‌اند. در این قراردادها، اصولاً نظارت بر تأسیساتی که مورد استفاده غیرصلح‌جویانه و نظامی قرار می‌گیرند، پیش‌بینی نشده است.

۲. **قرارداد بازرسی ۱۵۳:** مجموعه مقررات بازرسی از دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای، در مجموعه‌ای با نام و شماره مزبور در سال ۱۹۶۸ تدوین شد و دولت‌های عضو پیمان، ملزم به انعقاد این قرارداد با اژانس هستند. دولت ایران این قرارداد را در سال ۱۹۷۳ با اژانس امضا کرد که تحت سند شماره ۲۱۴ در دبیرخانه اژانس در وین به ثبت رسیده و از ۱۵ می ۱۹۷۴ پس از تحویل مصوبه مجلس شورای ملی وقت به اژانس، لازم‌الاجرا شده است.

گفتنی است که اژانس با کشورهای عضو که فاقد تسلیحات هسته‌ای هستند، بر مبنای سند ۱۵۳، موافقتنامه‌های دو جانبه بازرسی امضا می‌کند. این سند، یک مدل و الگوست که مفاد آن باید در همه موافقتنامه‌های دو جانبه بازرسی با کشورهای غیرهسته‌ای عضو آن پی. تی رعایت شود.

ج: پروتکل الحاقی ۹۳+۲

تقویت پادمان‌های هسته‌ای اژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از کشف برنامه هسته‌ای مخفی عراق به دنبال جنگ خلیج‌فارس (بحران کویت) و فعالیت‌های مشکوک هسته‌ای کره شمالی مورد توجه قرار گرفت. این مسأله سبب شد که آمریکا و گروه غرب با استفاده از این بهانه به فکر تجدیدنظر جدی در مکانیسم نظارتی و پادمان هسته‌ای

آژانس و ان. پی. تی بی‌افتند و در نتیجه، ضرورت اصلاح و تقویت بر فعالیتهای هسته‌ای دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای را مطرح سازند. آنها استدلال می‌کردند که رژیم نظارتی ان. پی. تی، اگرچه در نظارت بر فعالیتهای اظهار شده عراق مؤثر بوده، ولی در کشف فعالیتهای اظهار نشده این کشور موفق نبوده است.

در ابتدای سال ۱۹۹۲، شورای حکام آژانس، تصمیمات متعددی در خصوص تقویت سیستم نظارتی ان. پی. تی گرفت و در دسامبر ۱۹۹۳ بررسی برنامه‌ای را با عنوان (۹۳+۲) به منظور تهیه پیشنهادی در خصوص تقویت مؤثر سیستم نظارتی در مدت دو سال آغاز کرد (و از این رو، این برنامه، ۹۳+۲ نامیده شده است).

سند (۹۳+۲)، با عنوان پروتکل تقویت کارآمدی سیستم نظارتی آژانس بر فعالیتهای هسته‌ای، مورد تصویب قرار گرفت.

پروتکل (۹۳+۲)، برای کشورهای عضوی طراحی شده است که موافقتنامه بازرسی و نظارت را با آژانس امضا کرده‌اند. این پروتکل دارای یک مقدمه، ۱۸ ماده و دو ضمیمه است. هدف از تصویب پروتکل ۹۳+۲، تقویت سیستم نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر فعالیتهای هسته‌ای دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای عضو ان. پی. تی (به ویژه فعالیتهای اظهار نشده) و نظارت بر اجرای تعهدات آنان طبق معاهده مذکور است.

همه مفاد و مقررات ۹۳+۲ نیز برای رسیدن به این هدف تدوین شده است. گردآوری اطلاعات جامع در خصوص فعالیتهای هسته‌ای دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای و دسترسی به مکان‌ها و سایت‌های مختلف این کشورها و بازرسی از آنها، اساس پروتکل ۹۳+۲ را تشکیل می‌دهد. تا ۲۰ خرداد ۱۳۸۲، ۷۳ کشور، پروتکل الحاقی را امضا کرده‌اند که فقط ۳۵ کشور زیر آن را تصویب و اجرا می‌کنند: استرالیا، آذربایجان،

بنگلادش، بلغارستان، بورکینافاسو، کانادا، چین، کرواسی، قبرس، جمهوری دموکراتیک کنگو، جمهوری چک، اکوادور، گرجستان، آفریقای جنوبی، اسلوانی، رومانی، لهستان، پرو، پاناما، نروژ، نیوزیلند، مغولستان، مالی، موناکو، لیتوانی، لتونی، کویت، اردن، ژاپن، جامائیکا، اندونزی، مجارستان، واتیکان، ترکیه، ازبکستان و ایالات متحده آمریکا تاکنون پروتکل الحاقی را به تصویب نرسانده است. (۶)

استراتژی جدید هسته‌ای آمریکا

وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) نیمه مارس ۲۰۰۵، سندی را با عنوان «قواعد عملیات هسته‌ای مشترک» تدوین و ارائه کرد. این سند، جزئیات مربوط به مبانی و اصول سیاست هسته‌ای جدید آمریکا برای سال‌های آینده و چگونگی اجرای آن علیه دشمنان ایالات متحده آمریکا را در بر می‌گیرد. در حقیقت، سند جدید، امتداد همان سند بازنگری در وضعیت هسته‌ای آمریکاست که واشنگتن آن را در سال ۲۰۰۲ منتشر کرده بود. سند ارائه شده در سال ۲۰۰۵، روشها و رویکردهای جدید نظامی که نیروهای آمریکایی در صحنه‌های عملیات با هدف اجرای سیاست هسته‌ای جدید به کار خواهند گرفت را مشخص می‌سازد.

سند قبلی در سپتامبر ۲۰۰۲، یک سال پس از این که نیویورک و پنتاگون هدف حملات تروریستی القاعده قرار گرفت، ارائه و تصویب شده و سیاست خارجی آمریکا را دگرگون کرد. تا پیش از سال ۲۰۰۲، استراتژی آمریکا عمدتاً مبتنی بر سیاست بازدارندگی و مهار دولتهای غیردوست بود؛ اما به دنبال حملات سپتامبر ۲۰۰۱، دولت بوش تصمیم گرفت تغییراتی اساسی در استراتژی هسته‌ای آمریکا ایجاد کند که با انتقادهای زیادی روبه رو شد. در سند جدید ۴۸ صفحه‌ای استراتژی هسته‌ای آمریکا آمده است که ایالات

متحدہ نمی‌تواند نسبت به نتایج یک حمله با سلاح‌های کشتار جمعی که به صورت بالقوه ویران کننده می‌باشد، بی‌تفاوت باشد. کاخ سفید در این سند، تأکید کرده است که آمریکا ابایی از حمله به رژیم‌هایی که متخاصم می‌داند و یا گروه‌هایی که اعتقاد دارد دارای سلاح‌های اتمی یا شیمیایی هستند، ندارد.

سیاست هسته‌ای جدی آمریکا بر امکان استفاده از سلاح هسته‌ای بر ضد برخی از کشورها و گروه‌های تروریستی که به توسعه و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی ادامه می‌دهند و قصد استفاده از آن بر ضد آمریکا را دارند، تأکید کرده است. این دو سند، از رهبران آمریکا می‌خواهد تا به توسعه سلاح‌های هسته‌ای کوچک با قدرت تخریبی محدود، دارای قابلیت بسیار بالا برای نفوذ به پناهگاه‌ها و سنگرهای زیرزمینی، حمله به اماکن و انبارهای سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیکی و انهدام آنها، مبادرت ورزند.

همچنین این دو سند، متضمن یک سلسله سنایورهای است که گاهی استفاده از سلاح هسته‌ای در آن سنایورها لازم می‌شود؛ مانند تشدید دامنه منازعه اعراب و اسرائیل تا سطح یک جنگ تمام عیار، آغاز جنگ میان چین و تایوان یا وقوع یک تجاوز از سوی کره شمالی به کره جنوبی. استراتژی هسته‌ای آمریکا در گذشته، براساس اجرای دکترین بازدارندگی متقابل از طریق تأکید بر سلاح‌های هسته‌ای تهاجمی تدوین شده بود. در این سند، دکترین جنگ پیش‌دستانه بوش مورد تأکید قرار گرفته است. ولی در عین حال، تصریح شد که دیپلماسی در مبارزه با تهدید تروریسم و سلاح‌های کشتار دسته جمعی ارجحیت دارد. این استراتژی همچنین ایران را به مثابه کشوری معرفی می‌کند که احتمال دارد در آینده بزرگ‌ترین چالش برای آمریکا باشد.^(۴)

برنامه هسته‌ای مصر

هرگونه بررسی برنامه هسته‌ای مصر باید در چارچوب منازعه اعراب و اسرائیل صورت گیرد. فعالیت‌های هسته‌ای مصر، تلاشی برای ایجاد موازنه ظریف در برابر سلاح هسته‌ای اسرائیل است. برنامه هسته‌ای مصر در حالی که نوعی تلاش برای رفع نیازهای مربوط به تولید برق و نیازهای اقتصادی است، در همان حال نیز نوعی تضمین امنیت در برابر تهدید هسته‌ای اسرائیل است. مصر نه در گذشته و نه در حال حاضر برنامه آشکار و تهدیدکننده سلاحهای هسته‌ای را در اختیار نداشته و ندارد. ولی اخیراً، برخی افسران ارتش، مقامات دولتی و برخی اساتید دانشگاه با اشاره به سرخوردگی فزاینده، خواستار پیگیری برنامه هسته‌ای مصر هستند. مکرم محمد احمد، سر مقاله نویس روزنامه الاهرام، در مطبوعات مصر هدایت درخواست‌ها برای از سرگیری و تقویت فعالیت‌های هسته‌ای مصر را برعهده دارد.^(۸) وی با هشدار به مقامات مصری درباره تشدید شکاف تکنولوژیک بین مصر و اسرائیل؛ مصر و ایران و مصر و آفریقای جنوبی می‌گوید، با توجه به افزایش قیمت سوخت در بازارهای بین‌المللی و نیازهای اقتصادی کشور، مصر باید فعالیت هسته‌ای خود را توسعه دهد. این افراد در تحلیل‌های خود، به معیارهای دوگانه جامعه بین‌المللی در تعامل با تکثیر هسته‌ای در منطقه اشاره می‌کنند. برنامه تحقیقات فعال هسته‌ای مصر در قالب فعالیت غیرنظامی بوده و تلاش عمده‌ای برای در اختیار داشتن چرخه سوخت هسته‌ای مستقل صورت گرفته است تا احتمالاً این توانایی در آینده در اختیار یک برنامه مخفی سلاحهای هسته‌ای قرار گیرد. این نکته را هم نباید از یاد برد که در مواضع اعلانی مقامات دولت مصر در این مورد مبهم است.

برنامه هسته‌ای مصر از آغاز با سیاست‌های منطقه‌ای ارتباط تنگاتنگ داشته است. با استناد به برنامه موسوم به «برنامه واشنگتن برای استفاده صلح‌آمیز از فعالیت

اتمی، در اوایل دهه ۵۰ جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور وقت مصر، سنگ بنای برنامه تحقیقاتی صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای مصر را ایجاد کرد. آمریکا با نصب آزمایشگاه رادیو ایزوتوپ در اواخر دهه ۵۰ و شوروی با دادن رآکتور تحقیقاتی دو مگاواتی در سال ۱۹۶۱، در احداث مرکز تحقیقاتی هسته‌ای انشاص^۱ به مصر کمک کردند. آزمایشگاه بازفرآوری اورانیوم در انشاص در ۳۵ کیلومتری شمال شرق قاهره قرار دارد. این مکان شامل دو رآکتور تحقیقاتی است.^(۹)

با توجه به نگرانی‌های اعراب به ویژه مصر، از فعالیت‌های هسته‌ای اسرائیل در دیمونا به ویژه در اواخر دهه ۷۰، مصر برای اولین بار تهدید کرد که توانایی‌های سلاح‌های هسته‌ای خود را توسعه خواهد داد. برای تحقق این هدف، نخست به شوروی نزدیک شد و سپس گام‌های مشابهی به سوی چین برداشت تا از این دو کشور سلاح‌های هسته‌ای به دست آورد؛ ولی هر دو تلاش ناکام ماند. بعد از شکست تلخ اعراب در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ با اسرائیل، مصر با این امید که اسرائیل نیز به معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای بپیوندد، آن معاهده را در ژوئیه ۱۹۶۸ امضا کرد.

بعد از درگذشت جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، در سال ۱۹۷۰ و تلاش‌های ناموفق مصر برای باز پس‌گیری سرزمین‌های اشغالی سینا که در جنگ ژوئن ۱۹۶۷، به اشغال اسرائیل در آمده بود، محمد انور سادات، جانشین وی، ظاهراً تلاش‌های مصر را برای کسب سلاح‌های هسته‌ای کنار گذاشت و به جای آن، روی برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز به ویژه برای تأمین برق متمرکز شد. هدف اعلان مصریها برای دنبال کردن برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز، تقویت اقتصاد ضعیف کشور بیان شد. متغیر اقتصاد در ۵۰ سال اخیر، یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتار سیاست خارجی مصر بوده است. گفته می‌شود که

^۱ . Enshas

یکی از علل اصلی روی گرداندن انور سادات بعد از جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل، به شوروی و گرایش وی به غرب، به ویژه آمریکا، اقتصاد متزلزل مصر بوده است. سادات تصور می‌کرد با نزدیکی به غرب و در داخل با تقویت توان اقتصاد کشور و همچنین آغاز روند صلح با اسرائیل می‌تواند منافع ملی مصر را تحقق بخشد. سیاست‌های هسته‌ای سادات نشان می‌دهد که وی به نوعی به این اطمینان رسیده بود که قادر نیست بدون کنار گذاشتن برنامه سلاح‌های هسته‌ای مصر، سرمایه‌های غرب را به سوی کشورش سرازیر کند. سادات با این تصور از محیط داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی، در سال ۱۹۷۹ معاهده صلح کمپ دیوید را با اسرائیل امضا کرد. در همان سال، معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای ان.پی.تی را تصویب کرد و در ۱۹۸۱ به موافقتنامه پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیوست و زمینه را برای تحقق احتمالی همکاری هسته‌ای با کشورهای مختلف غرب فراهم کرد.

حسنی مبارک که در سال ۱۹۸۱ بعد از ترور سادات به قدرت رسید، سیاست هسته‌ای سلف خود را ادامه داد. اما مبارک سعی کرد ضمن تلاش برای تضمین همکاری هسته‌ای با کشورهای مختلف غربی، با استخراج اورانیوم چرخه سوخت هسته‌ای مستقل را توسعه دهد. مبارک تلاش کرد کارخانه بازفرآوری اورانیوم را احداث نموده و با خرید دومین رآکتور تحقیقاتی ۲۲ مگاواتی، نیروگاه تولید سوخت بسازد.

بر خلاف اینکه در دوره سادات (۱۹۷۰-۱۹۸۱) تهدید هسته‌ای اسرائیل کم اهمیت تلقی شد، در دوره مبارک در این سیاست چرخش اساسی پیدا شد و طرح تهدید هسته‌ای اسرائیل به اولویت سیاست خارجی مصر تبدیل شد. قاهره از اوایل دهه ۹۰، از یک جهت ریاست تلاش‌ها را برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در منطقه بر عهده گرفت و از سوی دیگر، در قالب اتحادیه عرب از عدم توجه اسرائیل به مفاد معاهده

ان.پی.تی و خودداری این کشور از بازرسی بازرسان بین‌المللی از تأسیسات هسته‌ای دیمونا شدیداً انتقاد می‌کرد.

الف: تعامل قدرت‌های بزرگ با برنامه هسته‌ای مصر

همان طوری که گفته شد، برنامه هسته‌ای مصر در کنار سیاست‌های منطقه‌ای به ویژه سیاست ابهام اتمی اسرائیل تعریف می‌شود. نگاه آمریکا به موقعیت مصر و به ویژه برنامه هسته‌ای این کشور، نگاه امنیتی است. از آنجایی که تضمین امنیت اسرائیل، یکی از اولویت‌های سیاست خاورمیانه آمریکا بوده و هست. آمریکا پیوسته نگران افزایش توان نظامی کشورهای خاورمیانه چه کشورهای به اصطلاح حامی تروریسم مثل سوریه و چه کشورهای متحد خود یعنی کشورهای محافظه‌کار مثل عربستان یا کشورهای پیشرو در جهان عرب مثل مصر است. مصریها با رد انتقادهای آمریکا، به تبعیض در اجرای معاهده عدم تکثیر هسته‌ای ان.پی.تی در برخورد با برنامه هسته‌ای کشورها اشاره می‌کنند.

مصریها در قبال برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران معتقدند که برنامه هسته‌ای، حق ایران است. ولی بر عاری‌سازی منطقه خاورمیانه از سلاحهای کشتار جمعی تأکید دارند. در فوریه ۲۰۰۶، در قطعنامه‌ای که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره برنامه هسته‌ای ایران صادر کرد، مصر خواستار گنجاندن قطعنامه‌ای در آن شد تا بر عاری‌سازی منطقه خاورمیانه از سلاحهای کشتار جمعی (با اشاره به اسرائیل) تأکید شود.^(۱) آمریکایی‌ها ابتدا با پیشنهاد مصر که یکی از اعضای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است، مخالفت کرد. ولی در نهایت، برای تصویب قطعنامه علیه ایران تن به خواسته مصر داد.

آمریکا هرگونه کمک به برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای مصر را به امضای معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای و معاهده منع تولید سلاح‌های شیمیایی و همچنین پیوستن مصر به پروتکل الحاقی ان.پی.تی مشروط می‌داند. در بین دیگر کشورهای هسته‌ای غربی، فرانسه از سیاست هسته‌ای مصر حمایت کرده است؛ شاید به این خاطر که توان هسته‌ای مصر هنوز به مرحله خطر نرسیده است. ژاک شیراک، رئیس‌جمهور فرانسه، در آوریل سال ۲۰۰۶ در دیدار با حسنی مبارک همتای مصری خود، از تلاش‌های این کشور که خواستار عاری‌سازی منطقه خاورمیانه از سلاح‌های کشتار جمعی است تقدیر کرد. فرانسه در دهه ۱۹۶۰ در ساخت نیروگاه اتمی دیمونای اسرائیل نقش بسزایی ایفا کرد.

ب: وضعیت جاری برنامه‌های هسته‌ای مصر

اکنون مصر موکداً خواستار عاری‌سازی منطقه خاورمیانه از سلاح‌های کشتار جمعی است. این کشور برنامه تحقیقاتی هسته‌ای فعال خود را با دو راکتور تحقیقاتی با هدف توسعه یک چرخه سوخت هسته‌ای مستقل حفظ کرده است.^(۱۱) مصر هرگز سلاح‌های اتمی نداشته و تجربه توسعه مخفیانه آن را نیز ندارد. گزارش‌هایی اخیراً درباره اهداف قاهره برای احداث نیروگاه برق هسته‌ای در منطقه الدبع منتشر شده است. در آوریل ۲۰۰۵، گزارش‌های ضد و نقیضی از مذاکرات بین مصر و روسیه برای نیروگاه برق هسته‌ای ارائه شده است. قبل از آن در سال ۲۰۰۳، گزارش‌هایی هم درباره همکاری هسته‌ای بین لیبی و مصر منتشر شد که بعداً مشخص شد، صحت ندارد. آمریکا هم ادعا کرده بود که محمد البرادعی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که مصری است، به مصر در داشتن یک برنامه هسته‌ای مخفیانه کمک کرده است. برخی منابع غربی در دسامبر ۲۰۰۴، اعلام کردند که تعدادی از بازرسان آژانس سرگرم بازدید از مصر هستند؛

زیرا به گمان آنها، مصر آزمایش‌های هسته‌ای محرمانه (تعدادی از آنها در خارج از مصر) انجام داده است. در همان ماه، مصر اظهارات دیپلماتهای غربی درباره بازرسی تعدادی از بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از یک آزمایشگاه بازراوری پلوتونیوم را تکذیب کرد.^(۱۲) دیپلماتهای غربی گفته بودند که بازرسان آژانس گمان می‌کنند که دانشمندان مصری آزمایش‌های محرمانه برای استفاده از اورانیوم انجام داده‌اند؛ اما آژانس نیز این موضوع را رد کرد. در سال ۲۰۰۵، دولت مصر بار دیگر بر شفافیت برنامه هسته‌ای خود و صلح‌آمیز بودن آن و همچنین پایبندی خود به ان.پی.تی تأکید کرد. مصر در کنفرانس بازمینی ان.پی.تی در سال ۲۰۰۵ شرکت داشت. در نوامبر ۲۰۰۵، سخنگوی ریاست جمهوری مصر نوشته روزنامه لیبراسیون چاپ فرانسه را درباره دخالت مصر در برنامه هسته‌ای لیبی رد کرد. این روزنامه همچنین محمد البرادعی، دبیر کل آژانس، را به استفاده از نفوذ خود در عدم توجه آژانس در همکاری لیبی و مصر متهم کرد. رمزی عزالدین، سفیر مصر در آژانس، گفت، همه فعالیت‌های هسته‌ای مصر منطبق با پیمان عدم تکثیر هسته‌ای و تحت نظارت آژانس است. در فوریه ۲۰۰۵ هفته‌نامه تایم چاپ آمریکا نوشت، مسئولان آمریکایی سرگرم تحقیق درباره این موضوع هستند که آیا عبدالقدیر خان، پدر بمب هسته‌ای پاکستان، فناوری هسته‌ای به کشورهای عربی مثل عربستان و مصر صادر کرده است یا خیر. در اگوست سال ۲۰۰۵ احمد ابوالغیط، وزیر امور خارجه مصر، تأکید کرد که تا اسرائیل معاهده جامع منع آزمایش‌های هسته‌ای را امضا نکند، مصر آن را امضا نخواهد کرد.

جمال مبارک پسر حسنی مبارک، رئیس جمهور مصر و رئیس بخش سیاست‌گذاری در حزب حاکم ملی دموکراتیک مصر، ۲۰ سپتامبر گذشته در چهارمین کنفرانس سالانه حزب حاکم، خواستار توجه کشور به انرژی هسته‌ای شد. این موضوع به

واکنش‌های مختلف داخلی و منطقه‌ای را در پی داشت. آمریکا در موضع‌گیری قابل تأمل، نه تنها اعلام کرد مانع فعالیت‌های هسته‌ای مسالمت‌آمیز مصر نخواهد شد، بلکه به مصر کمک نیز خواهد کرد؛ در حالی که آمریکا بر خلاف مفاد موافقتنامه کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹ از کمک به مصر در راه‌اندازی دو رآکتور هسته‌ای خودداری کرد. نشریه نوول ابزرواتور چاپ فرانسه، اخیراً نوشت، احتمالاً شرکت آمریکایی اتومکس انترنشنال ساخت سه نیروگاه هسته‌ای مصر را با ظرفیت کلی ۱۸۰۰ مگاوات بر عهده خواهد گرفت.^(۱۳) کالبدشکافی سیاست آمریکا در قبال فعالیت‌های هسته‌ای مصر را به آینده موکول می‌کنیم.

برنامه هسته‌ای لیبی

یک سال قبل از کودتا و به قدرت رسیدن سرهنگ معمر قذافی در سال ۱۹۶۹، لیبی معاهده منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای ان.پی.تی را امضا کرده بود و حکومت قذافی شش سال بعد، آن را تصویب کرد و در سال ۱۹۸۰ به موافقتنامه پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیوست. اما قذافی از اوایل سال‌های قدرت خود، تلاش کرد به توانایی‌های هسته‌ای دست یابد و به این منظور، سعی کرد مستقیماً از چین سلاح هسته‌ای وارد کند؛ ولی موفق نشد. بعد از آن، لیبی به هند و پاکستان نزدیک شد و در نهایت، تلاش خود را معطوف به توسعه یک برنامه سلاح هسته‌ای بومی با فناوری و تجهیزات وارداتی از شوروی کرد؛ تجهیزاتی مانند یک رآکتور تحقیقاتی ۱۰ مگاواتی ساخته شده در طرحونه و نیز وارد کردن بیش از ۲۰۰۰ تن کیک زرد برای غنی‌سازی اورانیوم که در دو دهه بعد، مخفیانه آن را دنبال می‌کرد.^(۱۴) علاوه بر آن، لیبی با وجود پیوستن به کنوانسیون

سلاحهای بیولوژیک در سال ۱۹۸۲، درصدد گسترش قابلیت‌های سلاح شیمیایی خود برآمد و یک برنامه محدود توسعه و تحقیق قابلیت ساخت سلاحهای بیولوژیک را آغاز کرد. لیبی در دهه ۹۰، تلاش‌های خود را برای دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی تشدید کرد. طبق گزارشهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، لیبی در جولای ۱۹۹۵ تصمیمی استراتژیک مبنی بر احیای فعالیت‌های هسته‌ای خود اتخاذ کرد. یک قسمت از این استراتژی، بهره‌برداری از آشفته‌گی ناشی از فروپاشی شوروی برای دستیابی به فناوری تخصصی و مواد هسته‌ای شوروی بود. بخش دیگر، کار با عبدالقدیر خان، پدر بمب هسته‌ای پاکستان و سردسته بازار سیاه سلاحهای کشتار جمعی بود که لیبی بیست سانتیفریوژ کامل و بسیاری از اجزای لازم برای ساخت ۲۰۰ سانتیفریوژ دیگر را از شبکه او خریداری کرده بود.^(۱۵) اکتبر ۱۹۹۱ گزارش شد که لیبی از کارمندان یک شرکت آلمانی، مواد مربوط به سلاحهای شیمیایی دریافت کرده است. چند سال بعد نیز گزارش شد که یک مجموعه زیرزمینی وسیع در نزدیکی طرhone، آماده عملیاتی شدن است. این در حالی بود که لیبی کنوانسیون سلاحهای شیمیایی را امضا کرده بود که از آوریل ۱۹۹۷ قابل اجرا شد.

الف: واکنش قدرت‌های بزرگ به برنامه هسته‌ای لیبی

واکنشهای آمریکا به تلاش‌های هسته‌ای قذافی و سیاست آمریکا در قبال لیبی در دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ ترکیبی از اجبار نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک بود. ریچارد نیکسون محدودیت‌هایی بر فروش سلاح به لیبی اعمال کرد. دولت کارتر در فوریه ۱۹۸۰، سفارت آمریکا در طرابلس را بست و دولت ریگان در سال ۱۹۸۲ واردات نفت خام از لیبی را تحریم کرد، ولی به این کار بسنده نکرد و در آوریل ۱۹۸۶ تأسیسات نظامی و مجموعه

خانوادگی قذافی در بنغازی را بمباران کرد. سیاست آمریکا در قبال لیبی تنها ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای نبود. طبق گزارش‌های متوالی سازمان جاسوسی آمریکا (سیا)، لیبی به اقدامات تروریستی در سطح بین‌المللی دست می‌زند، از جنبش‌های آزادی بخش مثل ارتش سرخ ژاپن و ارتش جمهوری خواه ایرلند حمایت می‌کند. لیبی همچنین به ترور سفیر آمریکا در سودان در سال ۱۹۷۳ متهم بود. هدف اعلانی آمریکا در قبال لیبی، تغییر سیاست طرابلس بود، ولی تغییر رژیم دنبال می‌شد. طبق گزارش‌های سیا در سال ۱۹۸۴، تنها عزل شدن قذافی باعث تغییر سیاست‌های این کشور خواهد بود.^(۱۶)

در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸ با انفجار پرواز ۱۰۳ پان آمریکن بر فراز لاکربی در اسکاتلند با ۱۵۹ مسافر که ۱۸۹ نفر آنها آمریکایی بودند، فشارهای غرب بر لیبی بیشتر شد. قبل از آن حادثه، یک فروند هواپیمای مسافربری فرانسه با ۱۷۱ مسافر در آسمان منفجر شده بود. پاریس تروریست‌های لیبی را به دست داشتن در این انفجار متهم کرد. آمریکا و فرانسه قطعنامه ۷۳۱ را در ژانویه ۱۹۹۲ در شورای امنیت سازمان ملل متحد به تصویب گذاردند و به این ترتیب، لیبی با مجازات‌هایی چون ممنوعیت پرواز هواپیماهای بر فراز خاک این کشور، تحریم تسلیحاتی، مجازات‌های دیپلماتیک و ممنوعیت فروش قطعات هواپیما مواجه شد. این اولین اقدام فراگیر جامعه بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم بود. این مجازات‌ها تا اکتبر ۲۰۰۳ که لیبی پذیرفت دو لیبیایی مظنون در ماجرای لاکربی را تسلیم نموده و به قربانیان انفجار هواپیما غرامت بدهد، ادامه داشت.

ب: نقطه عطف در سیاست هسته‌ای قذافی

معمّر قذافی در اقدامی غیرمنتظره در دسامبر ۲۰۰۳، از خلع سلاح داوطلبانه لیبی از سلاح‌های کشتار جمعی و کنار گذاشتن همه برنامه‌های هسته‌ای خود خبر داد. لیبی

متعهد شد، برنامه سلاحهای هسته‌ای خود را به آژانس اعلام کند و همچنین موشک‌های بالستیک دارای برد بیشتر از ۳۰۰ کیلومتر و خرج ۵۰۰ کیلوگرم را منهدم کند. لیبی اعلام کرد، طبق معاهده عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای به بازرسان آژانس اجازه می‌دهد از تأسیسات آن بازدید کنند. این کشور بلافاصله در ششم ژانویه ۲۰۰۴، کنوانسیون سلاحهای شیمیایی را امضا کرد. در ۱۴ ژانویه همان سال، معاهده جامع منع آزمایشهای هسته‌ای (سی.تی.بی.تی) را تصویب و در ۱۰ مارس، پروتکل الحاقی آن.پی.تی را امضا کرد و ۳۶۰۰ بمب شیمیایی خالی را جلوی بازرسان منهدم کرد.

لیبی در سال ۱۹۹۸ تأسیسات تبدیل اورانیوم (یو سی اف) را که در دهه ۸۰ خریداری شده بود، روی هم سوار کرد. در اواخر ۱۹۹۹ یا اوایل ۲۰۰۰، دو طیف سنج جرمی جدید خرید و در سپتامبر ۲۰۰۰ صاحب دو سانتریفیوژ دارای طراحی پیشرفته ال دو شد و ۱۰۰۰ سانتریفیوژ دیگر از این نوع سفارش داد.^(۱۷) در اواخر ۲۰۰۱ و اوایل ۲۰۰۲، عبدالقادر خان طرح یک بمب شکافتی و سانتریفیوژ غنی‌سازی تقریباً کامل را در اختیار لیبی قرار داد. لیبی در نیمه می و دسامبر همان سال، دو بار با موفقیت سانتریفیوژهای خود را آزمایش کرد که البته بدون مصاد هسته‌ای بودند. اما آنچه نگرانی آمریکا و متحدانش را از تلاش‌های هسته‌ای لیبی تشدید می‌کرد، این بود که در اکتبر ۲۰۰۳ آمریکا و متحدانش که در حال تنظیم ابتکار عمل امنیت تکثیر بودند، یک کشتی حامل تجهیزات سانتریفیوژ را به مقصد لیبی رهگیری کردند. در ژوئن ۲۰۰۳، سیا اعلام کرد، شواهد نشان می‌دهد که لیبی در صدد به دست آوردن تجهیزات دارای کاربرد دوگانه بود که می‌تواند در تولید و گسترش عوامل سلاحهای میکروبی مورد استفاده قرار گیرد.

بعد از عقب‌نشینی هسته‌ای لیبی در دسامبر ۲۰۰۳، آمریکا برای گرفتن امتیاز بیشتر از لیبی و نفوذ بیشتر در این کشور نفتی، در فوریه ۲۰۰۴ دفتر حفظ منافع خود در

طرابلس را بازگشود و لیبی را به انجام عمل متقابل ترغیب کرد. آمریکا ممنوعیت سفر شهروندان آمریکایی به لیبی را به طور رسمی لغو نمود و در آوریل ۲۰۰۴، تحریم‌های اقتصادی علیه لیبی را کاهش داد؛ اما قذافی اعلام کرد، پاداشی که از عقب‌نشینی هسته‌ای منتظر دریافت آن بود را دریافت نکرده است. مقامات لیبی همچنین از باقی‌ماندن نام لیبی در فهرست کشورهای حامی تروریسم، ناخرسند بودند.

ج: مقایسه پرونده هسته‌ای لیبی و ایران

دیپلماسی اجبار که در واقع در استراتژی کلینتون و بوش در قبال لیبی پیگیری شده، ظاهراً موفق بوده است. در واقع، لیبی از طریق قطعنامه‌های بین‌المللی ناشی از ماجرای لاکربی تحت فشار قرار گرفت و منزوی شد. ولی معامله‌ای صورت گرفت و در قبال بسته شدن پرونده لاکربی، در خصوص برنامه‌های هسته‌ای لیبی هم توافق صورت گرفت. اهداف دیپلماسی اجبار آمریکا و متحدانش به ویژه انگلیس در این زمینه معطوف به تغییر رفتار قذافی بود، نه سقوط وی. در بررسی رفتار سیاست خارجی لیبی باید گفت معمور قذافی بقا را بر منافع ملی کشورش ترجیح می‌دهد. این گفته قذافی که نمی‌دانستیم با بمب هسته‌ای چکار کنیم، نشان می‌دهد که در استراتژی امنیت ملی لیبی، تعریف ویژه‌ای از انرژی هسته‌ای به عمل نیامده بود.

پانزدهم می گذشته، کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا، از تصمیم آمریکا برای حذف نام لیبی از فهرست کشورهای حامی تروریسم و از سرگیری روابط دیپلماتیک کامل با لیبی خبر داد. رایس ادامه داد، همان طوری که سال ۲۰۰۳ (دسامبر ۲۰۰۳ که لیبی برنامه سلاحهای کشتار جمعی خود را کنار گذاشت) برای مردم لیبی نقطه عطفی بود، امیدواریم سال ۲۰۰۶ هم برای مردم ایران و کره شمالی نقطه عطفی باشد. رایس

افزود؛ لیبی الگوی مهمی است که جامعه بین‌المللی امیدوار است نظام‌های ایران و کره شمالی نیز در راستای صلح و امنیت بین‌المللی، آن را سرمشق خود قرار دهند. جان بولتون، سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد، نیز چندین بار اظهارات مشابهی بیان کرد.^(۱۸)

آمریکا که در پرونده هسته‌ای ایران نتوانسته است همراهی کامل متحدان خود را در شورای امنیت (روسیه و چین) به دست آورد و در کسب و حفظ اجماع بین‌المللی ناکام مانده است، از سوی دیگر در باتلاق عراق و افغانستان گرفتار شده است، با ایجاد جنگ روانی علیه ایران، این کشور را تحت فشار قرار می‌دهد تا الگوی لیبی را در پیش گیرد. موافقت مشروط آمریکا برای مذاکرات مستقیم با ایران بر سر پرونده هسته‌ای ایران (ایران باید غنی‌سازی اورانیوم را به حالت تعلیق در آورد) نشان می‌دهد که برخورد آمریکا با ایران و لیبی متفاوت است. در مورد ایران، عوامل سیاسی و اقتصادی بین‌المللی و داخلی اجازه نمی‌دهد که استراتژی اجبار موفقیت‌آمیز باشد، از سوی دیگر، آمریکا در قبال ایران تغییر نظام را دنبال می‌کند. ولی آمریکا در مورد لیبی، قذافی فرمانبردار را بر آینده نامعلوم این کشور از نظر رهبری ترجیح می‌دهد. از سوی دیگر، در قضیه لیبی نوعی اجماع بین‌المللی وجود داشت. علاوه بر آن، در پرونده هسته‌ای ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مرجع ذی‌صلاح رسیدگی است، ولی در پرونده لیبی نوعی تسویه حساب بین آمریکا و با قذافی وجود داشت. جمهوری اسلامی ایران برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز را دنبال می‌کند؛ در حالی که در اهداف لیبی ابهام وجود داشت و قذافی به علت عدم مشروعیت سیاسی با درآمدهای نفتی رضایت را از شهروندان لیبی خریده است و برای ظهور در قالب بزرگ جهان عرب به دنبال منافع شخصی بود. قذافی اکنون ناصریسم دهه شصت را کنار گذاشت، با روی گرداندن از پان عربیسم به مسائل آفریقا متمایل شده است و خود را با سیاست‌های آمریکا وفق داده است.

د: دیپلماسی تجاری آمریکا در قبال لیبی

شرکت‌های چند ملیتی نفتی بعد از اعمال تحریم‌های سازمان ملل متحد بر لیبی بخاطر ماجرای لاکربی از حضور در این کشور محروم بودند. ولی سال گذشته، ۹ شرکت بزرگ اکتشافی در آمریکا برنده مناقصه نفتی در میدان‌های نفتی این کشور شدند. به برای نمونه، شرکت موبیل اکسون بعد از ۲۵ سال غیبت، دوباره وارد آن کشور شد. کارشناسان اقتصادی لیبی بعد از آنکه آمریکا اواسط می گذشته از حذف لیبی از فهرست کشورهای حامی تروریسم و قصد خود برای از سرگیری روابط دیپلماتیک با لیبی خبر دادند، تأکید کردند، اقتصاد لیبی در سایه این همکاری شکوفا خواهد شد. الطیب الصافی، وزیر اقتصاد لیبی، گفت، از سرگیری روابط دو کشور بر اقتصاد دو کشور آثار مثبت خواهد داشت، و درها را به روی مبادلات تجاری دو طرف باز خواهد کرد. الصافی افزود؛ عادی شدن روابط تجاری دو کشور باعث رشد برنامه‌های سرمایه‌گذاری و ایجاد مناطق آزاد و سرمایه‌گذار بهای جدید در صنعت گردشگری خواهد شد. الطیب الصافی درباره گندم آمریکا گفت، لیبی ۸۰۰ هزار تن آرد وارد می‌کند، اما گندم آمریکا، کانادا و اروپا را بهترین گندم می‌دانیم.^(۱۹) لیبی در سال ۲۰۰۴ بیش از ۳۵۰ هزار تن گندم از آمریکا وارد کرد. وی افزود؛ شرکت‌های هواپیمایی لیبی از فناوری آمریکایی استفاده خواهند کرد و خلبانان، دوره‌های آموزشی را در آمریکا طی خواهند کرد. شرکت‌های هواپیمایی لیبی نیز سال جاری اعلام کردند، دو فروند هواپیمای بویینگ به ارزش ۱۴۴ میلیون دلار از آمریکا خریداری کرده‌اند.^(۲۰)

برنامه هسته‌ای آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی، اولین و تنها کشور سازنده سلاح هسته‌ای است و متعاقباً به طور داوطلبانه برنامه سلاح‌های هسته‌ای خود را کنار گذاشت. تجربه هسته‌ای آفریقای جنوبی در سایه برنامه موسوم به «اتمها برای صلح» هنگامی که این کشور در سال ۱۹۵۷ موافقتنامه‌ای دوجانبه ۵۰ ساله برای همکاری هسته‌ای با آمریکا را امضا کرد آغاز شد. طبق این موافقتنامه، آفریقای جنوبی رآکتور اتمی می‌ساخت و از نظر تأمین سوخت نیز به آن اطمینان داده می‌شد. البته شورای اتمی آفریقای جنوبی قبل از آن در سال ۱۹۴۸، تأسیس شده بود. در نهایت، رآکتور (سفری یک) با غنی‌سازی دو درصد اورانیوم شروع به کار کرد.^(۳۱)

زمان دقیق تصمیم آفریقای جنوبی برای ساخت بمب هسته‌ای، هنوز مشخص نشده است، اما مقامات این کشور تأکید می‌کنند که این برنامه با هدف تحقیق و توسعه آزمایش‌های هسته‌ای در راستای منافع تجاری، کسب ذخیره‌های سوختی و منافع مخفی انجام شد. برخی اسناد، تصمیم مربوط به هسته‌ای شدن این کشور را در سال ۱۹۷۴ و اسناد نظامی آن را در سال ۱۹۷۷ می‌دانند. با این حال در سال ۱۹۷۱، کارل دی‌وت، وزیر معاون آفریقای جنوبی، تحقیقات موسوم به انفجار صلح‌آمیز هسته‌ای را تأیید کرد. وی اعلام کرد که امیدوار است از این تحقیقات در صنایع معادن استفاد شود. طبق اسناد، اطلاعاتی که آمریکایی‌ها در سال ۱۹۸۳ ارائه دادند، آفریقای جنوبی رسماً از سال ۱۹۷۳ برنامه هسته‌ای خود را آغاز کرد، ولی اف دلبیو دی کلرک که بین سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴ رئیس جمهور آفریقای جنوبی بود، تصمیم برای قابلیت بازدارندگی هسته‌ای محدود را از اوایل سال ۱۹۷۴ گرفته بود.

گفته می‌شود، تصمیم به ساخت سلاح هسته‌ای توسط جان ورنستر، نخست‌وزیر آفریقای جنوبی، در آوریل ۱۹۷۰ گرفته شده بود، ولی تا ۱۹۷۷ مخفی ماند. اجازه اولین آزمایش هسته‌ای آفریقای جنوبی به دستور وزیر معادن و به تأیید نخست‌وزیر در ۱۹۷۱ انجام شد، ولی با شکست مواجه شد. در هر حال در سال ۱۹۷۴، شورای انرژی اتمی آفریقای جنوبی اعلام کرد، توانایی ساخت بمب را دارد و نخست‌وزیر دستور داد سایت آزمایشی صحرای کالاهاری برای این امر آماده شود. در سال ۱۹۷۸ پیربویا بعد از ورنستر نخست‌وزیر آفریقای جنوبی شد و کمیته بلند پایه‌ای متشکل از نخست‌وزیر، وزیر دفاع، انرژی و معادن دارایی و مقامات ارمسکور (آژانس دولتی تهیه و تولید تسلیحات) وزارت امور خارجه، اعضای شورای انرژی اتمی و فرماندهان دفاعی آفریقای جنوبی را تشکیل داد. در جولای ۱۹۷۹ کمیته مذکور، ساخت سیستم پرتاب تسلیحات هسته‌ای را با توانایی بازدارندگی مطمئن توصیه کرد و مسئولیت این برنامه برعهده ارمسکور گذاشته شد. این آژانس اولین سیستم پرتاب موشک را در ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۹ تولید شش بمب هسته‌ای را انجام داد. (۳۳)

الف: بعد امنیتی تسلیحات هسته‌ای آفریقای جنوبی

همزمان با فعالیت هسته‌ای آفریقای جنوبی، مهم‌ترین فشارهایی که در حوزه بین‌المللی و منطقه‌ای روی دوش پرترویا سنگینی می‌کرد، به علت حمایت این کشور از شورشیان آنگولا و همچنین اشغال نامیبیا بود. مقامات پرتوریا معتقد بودند، تسلیحات هسته‌ای نمی‌تواند برای مواجهه با این تهدید مفید باشد. در اواسط دهه هفتاد، پرتوریا احساس کرد توسط نیروهای پرتقالی در آنگولا و موزامبیک محاصره شده است. از آوریل ۱۹۷۴ کمک‌های شوروی به رژیم مارکسیستی آنگولا، دخالت‌های دولت کوبا در حمایت

از رژیم مخالف آفریقای جنوبی (شورشیان)، انتخاب نگران‌کننده جیمی کارتر در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۱۹۷۶، تحریم تسلیحاتی با نظارت سازمان ملل متحد و افزایش فشارهای غرب برای خروج نیروهای آفریقای جنوبی از نامیبیا شرایط سختی برای پرتوریا به وجود آورده بود. علاوه بر آن، امکان به کارگیری تسلیحات هسته‌ای بیولوژیک و شیمیایی علیه دولت پرتوریا از دیگر موارد نگرانی این دولت بود؛ زیرا برخی جاسوسان نظامی از استقرار تسلیحات هسته‌ای و شیمیایی در آنگولا خبر داده بودند.

دولتمردان آفریقای جنوبی معتقد بودند، تسلیحات هسته‌ای این کشور راه حل جزئی در مقابل این تهدیدات است. آنها هشدار دادند، از تسلیحات هسته‌ای علیه نیروهای کوبایی، سپاه آفریقایی و نیروی دریایی شوروی در آفریقا استفاده خواهند کرد. این هشدارها با هدف بازدارندگی صورت می‌گرفت. همزمان با سیاست اعلانی، آفریقای جنوبی زرادخانه‌های مخفی خود را با هدف افزایش بازدارندگی تقویت کرد.

ب: قدرت‌های بزرگ و برنامه هسته‌ای آفریقای جنوبی

هنگامی که اولین آزمایش هسته‌ای ناکام آفریقای جنوبی در سال ۱۹۷۱ در صحرای کالاهاری صورت گرفت، سفیر آمریکا در این کشور از مقامات پرتوریا در این مورد توضیح خواست. از آنجایی که پنهان کاری هسته‌ای آفریقای جنوبی یا به طور خاص، شورای انرژی اتمی آفریقای جنوبی به حدی بود که برخی مقامات حتی پیک‌بوت‌ها، وزیر امور خارجه، طی سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۴ از آن خبر نداشت. وی از ورستر، نخست‌وزیر، خواست پاسخ سفیر آمریکا را بدهد، ولی ورستر به پیک‌بوت‌ها گفت، به سفیر آمریکا بگوید که فعالیت‌های هسته‌ای آفریقای جنوبی صلح‌آمیز است. (۳۳)

فشارهای بین‌المللی مانع از آشکارسازی آزمایش‌های یا تسلیحات هسته‌ای آفریقای جنوبی شد. این کشور از اواسط دهه ۷۰، با افزایش محدودیت‌های هسته‌ای و تحریم‌های بین‌المللی مواجه شد؛ ولی این تحریم‌ها بر اقتصاد آفریقای جنوبی تأثیر چندانی نداشت. دولت‌های غربی تحت پوشش سیاست مبارزه با نژادپرستی با هدف واقعی جلوگیری از برنامه تسلیحات هسته‌ای، آفریقای جنوبی را تحت فشار قرار دادند؛ زیرا تا اواخر سال‌های ۱۹۸۰، سیاست‌های آپارتاید بدون توجه خاص و مذاکرات مهمی با دولت آفریقای جنوبی، همچنان حیات خود را حفظ کرد.

آمریکا، فرانسه و آلمان غربی روابط تجاری و همکاری‌های خود را در زمینه‌های علمی و انرژی هسته‌ای از اواخر دهه ۷۰ با آفریقای جنوبی متوقف کردند. اعمال این تحریم‌ها به منظور پیوستن آفریقای جنوبی به معاهده عدم تکثیر و پذیرش موافقتنامه پادمانی آرژانس در سایت‌های هسته‌ای بود. فعالیت‌های مبارزه با نژادپرستی از سال ۱۹۷۶ با کشته شدن یکی از مخالفان تبعیض نژادی در زندان شدت یافت. انجمن مبارزه با نژادپرستی در سال ۱۹۷۵ از کشورهای غربی خواست، انتقال سوخت هسته‌ای را متوقف سازد و در سال ۱۹۷۶ مانع از اجرایی شدن مناقصه کارخانه هسته‌ای آفریقای جنوبی شده و در سال ۱۹۷۸ لابی عدم تکثیر هسته‌ای در آمریکا از دولت خواست که همکاری‌های هسته‌ای خود را با کشورهایی که عضو معاهده عدم تکثیر ان.پی.تی نیستند، متوقف کند. این درخواست بدون توجه به سیاست‌های آپارتاید دولت پرتوریا بود. اما جنبش‌های داخلی مخالف نژادپرستی با تحت فشار قرار دادن جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا از وی خواستند تا تمام فعالیت‌های هسته‌ای خود را حتی در صورت عضویت آفریقای جنوبی در معاهده عدم تکثیر با این کشور متوقف سازد.

بعد از آزمایش‌های هسته‌ای آفریقای جنوبی در سال ۱۹۷۷ آمریکا، فرانسه و آلمان غربی این کشور را تهدید به قطع روابط دیپلماتیک و اعمال تحریم‌های تجاری و اقتصادی کردند. دولت فرانسه نیز ساخت کارخانه کوبرگ را در شمال شهر کیپ تاون به حالت تعلیق در آورد.

ج: عقب‌نشینی هسته‌ای

از میان ۹ کشور سازنده سلاح هسته‌ای، آفریقای جنوبی تنها کشوری است که برنامه‌هایش را به طور داوطلبانه متوقف کرد. در اواخر سالهای دهه ۸۰، فشارهای بین‌المللی زیادی برای برجیدن تأسیسات هسته‌ای آفریقای جنوبی وجود نداشت، ولی حساسیت‌های پروتوریا در پذیرش مسئولیت‌های دیپلماتیک و اقتصادی افزایش یافته بود. در این دوره، رهبران بخش‌های مدنی (ملی‌گرا) با انگیزه اصلاح سیاست‌های نژاد پرستانه دولت، خواهان انزوا و شکست حاکمیت افراطی آفریقای جنوبی بودند. دولت دی‌کلرک و هم‌طیفان وی با خاتمه سیاست‌های پی‌یر بوتو، نخست‌وزیر آفریقای جنوبی، و کاهش حساسیت‌های هسته‌ای در داخل، سعی در تغییر سیاست آپارتاید و اعمال رویه‌های جدید نمود. در نهایت، بوتو نیز تمایل خود را با سیاست در کلرک نشان داد و با رد طرح توسعه (در زمینه مطالعات تحقیقاتی) بمب پیشرفته هسته‌ای ارمسکور در سال ۱۹۸۷ اعلام کرد، آفریقای جنوبی آماده مذاکره برای پیوستن به معاهده عدم تکثیر است. سلاح‌های هسته‌ای آفریقای جنوبی از جولای ۱۹۹۰ تا جولای ۱۹۹۱ منهدم شد. تغییر محیط امنیتی (فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد و قطع نفوذ شوروی در آنگولا، موزامبیک و خروج نیروهای کوبایی از آنگولا).

د: واکنش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۱۹۷۷ انجام آزمایش‌های هسته‌ای آفریقای جنوبی را محکوم کرد.^(۳۴) این اقدام شورای حکام، فزاینده‌تر نرفت و فشارهای قدرت‌های بزرگ (آمریکا، فرانسه و آلمان غربی) بیشتر از فشارهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود. وقتی پی‌یر بوتو در سال ۱۹۸۷ اعلام کرد، آفریقای جنوبی آماده پیوستن به معاهده عدم تکثیر است، برخی ناظران، آن را اقدامی همراه با فریب برای جلوگیری از اخراج این کشور از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دانستند. در نهایت، دولت آفریقای جنوبی در ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۱ به صورت رسمی به معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای پیوست و موافقتنامه پادمانی را در سپتامبر همان سال پذیرفت. کارشناسان تسلیحاتی همچون ون هاردن^۱ معتقدند، فشارهای بین‌المللی از جمله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و به ویژه لابی آمریکا در تغییر سیاست آفریقای جنوبی مؤثر بود.^(۳۵) سرانجام دولت آفریقای جنوبی برنامه‌های آشکار هسته‌ای خود را پلمپ و سایت‌های هسته‌ای مخفی خود را آشکار کرد.

ه: وضعیت فعلی انرژی هسته‌ای آفریقای جنوبی

در می ۱۹۹۳، پارلمان آفریقای جنوبی معاهده منع تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی را تصویب کرد. بر این اساس، آفریقای جنوبی پذیرفت که توسعه سلاح‌های هسته‌ای خود را کنار گذارد. در سال ۱۹۹۵، در جریان کنفرانس بازبینی معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، دولت آفریقای جنوبی نقش میانجی اصلی را بین کشورهای عضو جنبش عدم تعهد و قدرتهای هسته‌ای ایفا کرد. دیپلماسی میانجیگری آفریقای جنوبی بین کشورهای

^۱ . Von Harden

عضو ان.پی.تی مورد تحسین جامعه بین‌المللی قرار گرفت. در آوریل ۱۹۹۶، آفریقای جنوبی و ۴۲ کشور دیگر آفریقایی، معاهده عاری‌سازی آفریقا از سلاح‌های هسته‌ای موسوم به معاهده «پلندابا» را امضا کردند. در ژوئن همان سال، آفریقای جنوبی به کنفرانس خلع سلاح سازمان ملل متحد در ژنو دعوت شد و در سپتامبر نیز معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای (سی.بی.تی.بی.تی) را امضا کرد. آفریقای جنوبی یکی از ۴۴ کشوری است که باید (سی.بی.تی.بی.تی) را برای اجرایی شدن تصویب کند. این کشور در سال ۲۰۰۲، پروتکل الحاقی مرتبط با موافقتنامه پادمانی را با آژانس امضا کرد.

در حال حاضر، آفریقای جنوبی دو رآکتور هسته‌ای دارد که شش درصد از برق مورد نیاز کشور را تأمین می‌کند.^(۲۶) موضع‌گیریهایی مقامات نشان می‌دهد، تعهد دولت به تأمین انرژی هسته‌ای در آینده جدی است. در سپتامبر ۲۰۰۵ وزارت امور خارجه سوئیس اعلام کرد که پلیس آفریقای جنوبی یک شخص دارای تابعیت سوئیسی و آفریقای جنوبی را به جرم قاچاق تجهیزات مورد نیاز بمب هسته‌ای دستگیر کرده است که پرتوریا این خبر را تکذیب کرد. آفریقای جنوبی هم درگیر ماجرای عبدالقدیر خان، دانشمند هسته‌ای پاکستان، بود. سازمان‌های غربی وی را متهم می‌کنند که به برخی کشورهای آفریقایی همچون مصر، سودان، نیجر و آفریقای جنوبی سفر کرده است. بعد از این ادعا، آفریقای جنوبی درباره روابط بین یک شبکه قاچاق هسته‌ای و عبدالقدیر خان تحقیق کرد. عبدالقدیر خان در فوریه ۲۰۰۵ اعتراف کرد که به برخی کشورهای آفریقای جنوبی سفر کرده است. اکنون یک شرکت آلمانی سرگرم ساخت نیروگاه سوخت برای دو رآکتور یاد شده در پلندابا در نزدیکی پرتوریاست که انتظار می‌رود تا سال ۲۰۱۰ آماده شود.^(۲۷)

نتیجه‌گیری

طبق معاهده منع تکثیر سلاحهای هسته‌ای (ان.پی.تی)، کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای تعهد می‌کنند که از انتقال سلاحهای هسته‌ای یا وسایل منفجره هسته‌ای به دیگران خودداری کنند. کشور دارنده سلاح هسته‌ای نیز طبق پیمان، کشوری است که پیش از اول ژانویه ۱۹۶۷ سلاح هسته‌ای یا دیگر وسایل منفجره هسته‌ای تولید و منفجر کرده است و از این رو پنج کشور چین، فرانسه، شوروی (سابق) انگلیس و آمریکا مشمول این تعریف می‌شوند. کشورها عملاً و آشکارا به دو دسته دارا و ندار تقسیم شدند و وضعیت هسته‌ای پنج کشور مزبور رسماً تأیید شد. از سوی دیگر، کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای نیز متعهد می‌شوند که هیچ‌گونه سلاح هسته‌ای یا دیگر وسایل منفجره هسته‌ای دریافت نکنند و از تلاش برای ساخت یا کسب این سلاح‌ها پرهیز کنند و در ضمن، نظام پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را برای جلوگیری از انحراف کاربرد و صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای و تولید سلاح هسته‌ای یا وسایل منفجره هسته‌ای بپذیرند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان مسئول نظارت بر اجرای این پیمان تعیین شد و طبق پیمان، نظام‌های نظارتی و بازرسی متعددی از جمله پروتکل ۲+۹۳ ایجاد شد.

مهم‌ترین مشکلی که در اجرای ان.پی.تی وجود دارد و در هفتمین کنفرانس بازبینی ان.پی.تی نیز بررسی شد، اختلاف بین قدرت‌های هسته‌ای است که بدون عمل به تعهدات مربوطه به انجام خلع سلاح، خود به دنبال توقف هسته‌ای بوده‌اند.

توجه به این نکته مهم است که خطر اصلی تکثیر سلاحهای هسته‌ای از کشورهایی ناشی می‌شود که به ان.پی.تی نپیوسته‌اند و فعالیت‌های هسته‌ای خارج از پادمان دارند و همچنین کشورهایی که عضو ان.پی.تی هستند، ولی تعهدات این پیمان را نادیده می‌گیرند. سه کشور هسته‌ای هند، پاکستان و اسرائیل هم که هنوز خارج از

ان‌پی‌تی هستند و فعالیت هسته‌ای دارند و بار سنگینی بر دوش این پیمان هستند، تحت فشار شدید غرب قرار ندارند و به نوعی ما شاهد نگاه سیاسی و نه فنی به برنامه هسته‌ای برخی کشورها از سوی غرب هستیم و این همان آپارتاید هسته‌ای است که جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره کرده است. به احتمال زیاد، ماهیت رژیم‌های داخلی، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر بلند پروازیه‌های هسته‌ای می‌باشد که عموماً خارج از حیطه نفوذ مستقیم آمریکاست. رژیم‌های دموکراتیک و رژیم‌های توتالیتر در پی تولید یا خرید سلاح هسته‌ای بوده‌اند. مورد آفریقای جنوبی نشان دهنده تعامل میان نفوذ خارجی و تغییر رژیم در روند بازگشت هسته‌ای می‌باشد. انتخاب دی کلرک به مقام ریاست جمهوری در سال ۱۹۸۹ به تحولات عمیق در سیاست داخلی و خارجی آفریقای جنوبی منجر شد. پایان آپارتاید در داخل و پایان جنگ سرد در محیط بین‌المللی، فضای مناسبی را برای کنار گذاشتن برنامه‌های نظامی هسته‌ای به وجود آورد.

اقدام لیبی درباره انهدام تأسیسات هسته‌ای خود و فرستادن آن به آمریکا، نشان می‌دهد که منافع ملی لیبی در فعالیتهای انرژی هسته‌ای این کشور جایگاهی نداشته است. براساس آموزه‌های نظام‌های سیاسی، لیبی جزو کشورهای دموکراتیک محسوب نمی‌شود. شخص قذافی، دنبال انرژی هسته‌ای بود و نه کشور لیبی. به عنوان یک کل، رفتار جدید سیاست خارجی لیبی نشان می‌دهد که این کشور، امنیت ملی خود را در کنار گذاشتن برنامه سلاحهای کشتار جمعی دیده است. پایان شگفت‌آور تعارض سیاست بین آمریکا و لیبی نشان می‌دهد که نوعی معامله بین دوطرف صورت گرفته است. این معامله شاید ادامه حکومت معمر قذافی و تأمین امنیت حکومت وی در برابر تسلیم هسته‌ای لیبی در برابر غرب باشد. عبدالله عثمان، استاد دانشگاه در طرابلس، گفت، عادی شدن روابط

آمریکا و لیبی در واقع این برداشت را در داخل ایجاد کرده است که روابط دو کشور دوجانبه نیست، بلکه دیکته شده است. (۲۸)

در مورد مصر، نگاه آمریکا و به طور کل غرب به رفتار سیاست خارجی مصر و به ویژه برنامه هسته‌ای این کشور، امنیتی بوده و خواهد بود. آمریکا با متغیر واسطه‌ای اسرائیل مانع رفتارهای هسته‌ای مصر خواهد بود. درباره مصر باید به ماهیت رژیم‌های داخلی توجه کرد. ابهام در اولویت‌های سیاست خارجی مصر بعد از حسنی مبارک ۷۷ ساله که از ۲۵ سال تاکنون قدرت را در دست دارد، برای آمریکا و اسرائیل نگران‌کننده است. چه بسا اینکه بعد از حسنی مبارک با توجه به نیازهای داخلی چه در بُعد اقتصادی و علمی و در بُعد فشارهای داخلی و همچنین موقعیت مصر در خاورمیانه به عنوان الگوی جهان عرب، این احتمال وجود دارد که مصر برنامه‌های هسته‌ای خود را دوباره از سرگیرد. هسته‌ای شدن کشورهایی مثل ایران در منطقه و عدم همکاری اسرائیل با سازمان‌های بین‌المللی به ویژه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دو عامل محیطی است که می‌تواند انگیزه مصریها را برای هسته‌ای شدن تقویت کند. اگر مصریها برنامه‌های هسته‌ای خود را از سر گیرند، نوع تعامل قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا با این موضوع، محکی مهم برای سیاست‌های دوپهلوی آمریکا در منطقه خاورمیانه خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. همشهری دیپلماتیک ۱۳۸۵/۵/۱ مقاله «ان پی تی در بحران» نوشته ناصر تقفی عامری.
۲. خبرگزاری رویترز، تلکس واحد مرکزی خبر، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ۵، ۱۴، ۲۰۰۶.
3. Time. December 2004.
۴. تلکس واحد مرکزی خبر صدا و سیما اداره کل پژوهش و آموزش مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۸
5. WWW.nti.org.
۶. غریب‌آبادی کاظم پروتکل الحاقی به معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای ۲+۹۳، ان. پی. تی و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره نهم و دهم خرداد و تیر ماه ۱۳۸۲.
۷. روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۸۵/۲/۳۱ به نقل از روزنامه الاهرام.
۸. روزنامه الاهرام، چاپ مصر ۲۰۰۶/۵/۳.
9. WWW.nti.org,Egypt,Nuclear.
۱۰. روزنامه الشرق الاوسط، چاپ لندن ۲۰۰۶/۳/۷.
- 3.6.2006.11.WWW.ahram.org.eg.
۱۲. خبرگزاری شین هوا تلکس. واحد مرکزی خبر، صدا و سیما ۱۳۸۳/۸/۱۸.
۱۳. روزنامه روزالیوسف، ۲۰۰۶/۱۰/۱.
14. Bruce W. jentelson and christopher A.whytock, "who won Libya? The Force Diplomacy Debate and It's Implications for Theory and Policy". International Security vol. 30, No.3 , Winter 2005, Pp. 47_86.
15. Ibid.p.49.
16. Ibid. p.55.
17. Ibid. p. 72.
۱۸. خبرگزاری فرانسه. تلکس واحد مرکزی خبر. صدا و سیما. ۲۰۰۶، ۴، ۱۶.
۱۹. همان.
۲۰. روزنامه الحیات. چاپ لندن. ۲۰۰۶، ۴، ۱۷.
21. Peter Liberman, " The Rise and Fall of the South African Bomb," International Security, vol.26, No. 2, fall 2001. Pp.55_88
22. Ibid. p.56

23. Ibid. p.66
24. WWW.nti.org
25. Ibid.p.70
26. WWW.Uic. Com.au
27. WWW.nit.org

۲۸. روزنامه الحیات. چاپ لندن ۲۰۰۶/۴/۱۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی